



Related Party Transactions and Accounting Information Quality: Opportunistic Behavior of Managers

Zohreh Hajiha¹, Adeleh Azadzadeh²

Received : 2018/02/04

Approved: 2018/05/13

Research Paper

Abstract

The main objective of this study is to investigate the relation between related party transactions and accounting information quality. The sample consists of 136 firms listed in Tehran Stock Exchange during 2012 to 2016, which are selected using the systematic removal method. This research uses a criterion of earnings management and three criteria of earnings smoothing. The research hypotheses are tested using the multivariate regression method. Results of the study indicate that there is a significant positive relation between related party transactions and earnings management. There is a positive relation between the second criterion of earnings smoothing and related party transactions. Finally, There is no significant relation between the first and third criterion of earnings smoothing and related party transactions.

Keywords: Related party transactions, Accounting quality, earnings management, earnings smoothing.

JEL Classification: M41.

DOI:10.22051/jera.2018.19171.1944

¹ Associate Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, corresponding author, (drzhajiha@gmail.com)

² Msc. Of accounting, Technical and Vocational School, (aazadzadeh@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری: بررسی نقش رفتار فرصت طلبانه مدیران

زهرة حاجیها*، عادلہ آزادزادہ**

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد که بدین منظور از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. در این پژوهش کیفیت اطلاعات حسابداری با به کارگیری یک معیار مدیریت سود و سه معیار هموارسازی سود اندازه گیری شده است. فرضیه‌های این پژوهش از طریق رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین معیار دوم هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته ارتباط مثبتی وجود دارد. در نهایت، بین معیار اول و سوم هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته ارتباطی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: معاملات با اشخاص وابسته، کیفیت اطلاعات حسابداری، مدیریت سود، هموارسازی سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

10.22051/jera.2018.19171.1944:DOI

* دانشیار حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (drzhajiha@gmail.com).

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده فنی و حرفه ای، ایران، (aazadzadeh@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اطلاعات مالی با کیفیت مطلوب و شفاف، در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص بهینه منابع و کارایی بازار اثر مثبت دارد که خود رشد، توسعه و رفاه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (بولو و همکاران، ۱۳۹۶). اطلاعات با کیفیت، دارای ویژگی‌هایی مانند صحت، یکپارچگی، ثبات، کامل بودن، اعتبار، به موقع بودن و قابلیت دسترسی می‌باشند (لودن، ۲۰۱۲). هیئت استانداردهای حسابداری مالی مدت‌هاست که درباره تأثیر منفی احتمالی معامله با اشخاص وابسته بر قابل اتکا بودن اطلاعات مالی، هم از نظر بیان صادقانه و هم از جنبه قابلیت تأیید و اثبات پذیری مقادیر گزارش شده، ابراز نگرانی کرده است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۶). "معاملات با اشخاص وابسته" به رویدادهایی اشاره می‌کند که به موجب آن انتقال منابع، خدمات کاری یا تعهداتی بین اشخاص وابسته صورت می‌گیرد، صرف نظر از این که آیا پولی مطالبه شده است (ریکاردی، ۲۰۱۶). ماهیت اصلی معاملات با اشخاص وابسته پیچیده است به دلیل این که چنین معاملاتی در شرایطی متفاوت از معاملات واقعی به وقوع می‌پیوندد. مدیریت ممکن است معاملات با اشخاص وابسته را جهت سرپیچی از کنترل‌های قانونی انجام دهد و به دلیل ماهیت پیچیده و شفافیت پایین معاملات با اشخاص وابسته، عملکرد واقعی اقتصادی شرکت را از ذینفعانشان پنهان کند به طوری که یکی از پیامدهای آن مدیریت سود می‌باشد که اعتماد سرمایه‌گذاران درباره عملکرد شرکت و اعتبار صورت‌های مالی شرکت را کاهش می‌دهد، در نتیجه مدیران اجرایی شرکت را برای افزایش سرمایه اضافی در آینده با مشکل مواجه خواهد ساخت (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۳). معاملات با اشخاص وابسته به موضوعی انتقادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است که دارای ویژگی‌هایی همچون امنیت پایین سرمایه‌گذاری، اجرای ضعیف قانون و گروه‌های تجاری خانوادگی هستند. عدم افشای معاملات با اشخاص وابسته و امنیت پایین سرمایه‌گذاری در این کشورها باعث می‌شود تا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ارزیابی کنند که این آیا این معاملات با هدف سودآوری، مدیریت سود، و یا انجام فعالیت‌های زیرزمینی صورت گرفته‌اند؟ زمانی که امنیت سرمایه‌گذار ضعیف است، انگیزه‌ها برای سلب مالکیت سهام‌داران اقلیت توسط مدیران و سهام‌داران کنترل‌کننده افزایش می‌یابد؛ بنابراین، امنیت ضعیف سرمایه‌گذاری باعث می‌شود شرکت‌ها، معاملات با اشخاص وابسته را به منظور سرپوش گذاشتن بر استخراج ثروت انجام دهند و آن را

از طریق مدیریت کردن سود که اثر منفی بر کیفیت اطلاعات حسابداری خواهد گذاشت، پنهان کنند تا کمتر با پیامدهای قانونی روبرو شوند (الهلالی، ۲۰۱۶).

اتخاذ استانداردهای باکیفیت، مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هموارسازی سود و مدیریت سود را کاهش می‌دهند (دایاناندن، ۲۰۱۶؛ زیگل و همکاران، ۲۰۱۲). این موضوع در کشورهای دارای قوانین مشترک که قوانین قوی امنیت سرمایه‌گذاری و اجرای سخت‌گیرانه قانون و سطوح بالای افشای اطلاعات مالی در آن‌ها حکم فرماست، صادق می‌باشد و به‌طور کلی اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشند (دایاناندن، ۲۰۱۶). با وجود انگیزه‌های قوی برای دستیابی به اطلاعات مالی باکیفیت، فاکتورهای داخلی نیز نقش مهمی را در انگیزه‌های مدیریت سود ایفا می‌کنند (راتک و همکاران، ۲۰۱۶)؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش مدیریت سود و هموارسازی سود می‌شود؟ با بازنگری پژوهش‌های انجام‌شده درمی‌یابیم پژوهش‌های گوناگونی در ارتباط باکیفیت اطلاعات حسابداری در داخل کشور صورت گرفته است اما تاکنون پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری نپرداخته است. لذا بررسی رابطه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. نتایج حاصله از یافته‌های این پژوهش به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، افراد برون‌سازمانی (سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و حساب‌رسان مستقل) و افراد درون‌سازمانی (کمیته‌های حسابرسی) در ارزیابی کیفیت حسابداری شرکت و به قانون‌گذاران در جهت تلاش برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی کمک خواهد نمود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اطلاعات حسابداری سازوکاری را فراهم می‌آورند که به‌واسطه آن اطلاعات درون‌سازمانی به سرمایه‌گذاران و بازارهای سرمایه انتقال می‌یابند. همچنین اطلاعات حسابداری امکان کنترل بیشتر سرمایه‌گذاران بر فعالیت‌های مدیریت را افزایش داده و بنابراین مدیران را از انجام سرمایه‌گذاری‌هایی که بر مبنای منافع سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات تبیین نگردیده است، منع می‌کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

تعاریف متعددی از مفهوم کیفیت اطلاعات حسابداری وجود دارد به طوری که بارث و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که اطلاعاتی با کیفیت هستند که کمتر دستکاری شده و شناخت به موقع زیان صورت گرفته و توانایی پیش‌بینی کنندگی از طریق همبستگی بین متغیرهای بنیادی و بازار را داشته باشند. کیفیت اطلاعات حسابداری در صورتی افزایش می‌یابد که حذف روش‌های مختلف و نیز افزایش گستره‌ای از اندازه‌های حسابداری که وضعیت اقتصادی را منعکس می‌سازند، اختیار مدیریت را برای گزارش سوگیرانه مقادیر حسابداری محدود سازند (ثقفی و ابراهیمی، ۱۳۸۸).

کیفیت اطلاعات حسابداری، میزان سود گزارش شده که بیانگر عملکرد مالی واحد گزارشگر می‌باشد را نشان می‌دهد (چیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). کیفیت پایین اطلاعات حسابداری نشان‌دهنده این است که ارقام گزارش شده، یا ابزار مورد استفاده مدیران و سهام‌داران کنترل‌کننده جهت گمراه کردن سایر سهام‌داران و یا ابزاری با هدف دستیابی به منافع کنترلی خصوصی می‌باشند (لیوز و همکاران، ۲۰۰۳). مدیریت سود، مداخله هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی به قصد دستیابی به برخی منافع خصوصی می‌باشد (چیپر، ۱۹۸۹). مدیران انگیزه دارند تا سود را به منظور مشروعیت بخشیدن یا افزایش امتیازاتشان یا پنهان کردن سلب مالکیت ثروت، مدیریت نمایند. معاملات با اشخاص وابسته، ابزاری مفید برای مدیریت سود، جهت دستیابی به نتایج عملیاتی و بازده حقوق صاحبان سهام یا اهداف دیگر (اجتناب از حذف یا جایگزینی حقوق صاحبان سرمایه جدید) می‌باشد (پیزو، ۲۰۱۳). همچنین هموارسازی سود جالب توجه‌ترین الگوی مدیریت سود می‌باشد که شرکت‌ها ممکن است برای دستیابی به اهداف گزارشگری برون‌سازمانی، سود خود را از طریق کاهش نوسان سود خالص هموار نمایند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر اشخاص وابسته دارای ارتباط خاصی با شرکت می‌باشند و می‌توانند شرکت را کنترل کنند. آن‌ها همچنین دارای اثرگذاری قوی در تصمیمات مالی و عملیاتی و دارای کنترلی قوی روی سیاست‌ها و آراء مربوط به کنترل تصمیمات مالی و مدیریت شرکت می‌باشند. ارتباط معنادار با اشخاص وابسته بر موقعیت مالی و سود و زیان شرکت اثر می‌گذارد، به طوری که ممکن است این معاملات از اعتبار لازم برخوردار نباشند. تا آنجا که یکی از

نشانه‌های احتمالی مدیریت سود، وجود معامله با اشخاص وابسته می‌باشد (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۶).

دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که هر کدام جنبه‌های متفاوتی از این معاملات را بیان می‌دارند: فرضیه تضاد منافع (تئوری نمایندگی، معاملات آسیب‌زننده) و فرضیه معاملات کارا (مبادله منطقی اقتصادی). فرضیه معامله کارا بیان می‌کند که معاملات با اشخاص وابسته، معاملات منطقی تجاری می‌باشند و به‌طور مؤثرتری نیازهای اقتصادی اصلی شرکت را برآورده می‌کنند، بنابراین به منافع سهام‌داران صدمه نمی‌زنند و به‌عنوان توافقات قراردادی کارا با وجود اطلاعات ناقص انجام می‌شوند. طبق فرضیه تضاد منافع، معاملات با اشخاص وابسته به سقوط اخلاقی (فقدان تلاش یا سوءاستفاده از منابع شرکت) و انتخاب نامطلوب توسط مدیریت ارشد (نمایش غیر واقعی اطلاعات خصوصی) اشاره می‌کند و در جهت منافع مدیران به‌منظور مصادره ثروت از سهام‌داران صورت می‌گیرد. این‌گونه معاملات معمولاً از اعتبار کمتری نسبت به معاملات واقعی برخوردارند و اثر منفی بر قابلیت اعتماد و مربوط بودن اطلاعات می‌گذارند و ابهام‌آمیزتر هستند و سودمندی قراردادها را باهدف کاهش تضاد منافع تضعیف می‌کنند (پیزو، ۲۰۱۳). در هر صورت چه این معاملات با تئوری نمایندگی مرتبط دانسته شود و چه این معاملات به‌عنوان انگیزه‌ای برای مدیران جهت انجام شدن بهتر وظایفشان در نظر گرفته شود، باید به این نکته توجه داشت که این معاملات می‌توانند بر وضعیت مالی و عملکرد مطلوب شرکت تأثیر منفی بگذارند، این امر الزاماً نه به دلیل خود معامله بلکه می‌تواند به دلیل تصور استفاده‌کننده صورت‌های مالی از ماهیت این‌گونه معاملات باشد (واعظ و همکاران، ۱۳۹۵).

به دلیل فقدان تعریف روشنی از کیفیت اطلاعات حسابداری، چندین مطالعه از معیارهایی مانند مدیریت سود، شناخت به‌موقع زیان، ارزش مربوط بودن و هموارسازی سود به‌عنوان معیار کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده کرده‌اند (سانچز و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش اندرو (۲۰۱۱) حاکی از آن است که شرکت‌هایی که سود هموارتری دارند، اطلاعات حسابداری با کیفیتی دارند و در نتیجه ذینفعان (سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان) از گزارش‌های منتشرشده آنان می‌توانند اطلاعات سودمندتری جهت اتخاذ تصمیم به دست آورند. پنمن (۲۰۰۳) کیفیت اطلاعات حسابداری را متأثر از مدیریت سود می‌داند و بیان می‌کند که

انجام مدیریت سود کیفیت اطلاعات حسابداری را کاهش می‌دهد. در این راستا، بنی مهد (۱۳۹۱) نیز به این نتیجه رسید که بین مدیریت سود و کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه منفی دارد و کاهش مدیریت سود، ابزاری برای کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. سرلک و اکبری (۱۳۹۲) نشان دادند که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. لذا در این پژوهش از مدیریت سود و هموارسازی سود به‌عنوان معیارهایی برای کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده می‌شود. این پژوهش به دنبال آزمون تجربی این مسئله است که آیا ممکن است مدیران با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته اقدام به مدیریت سود و هموارسازی سود نمایند که منجر به کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری گردد؟

اهمیت اطلاعات مربوط به معاملات با اشخاص وابسته برای ذینفعان بیرونی بخصوص سرمایه‌گذاران توسط تحقیقات پیشین اثبات شده است. در ادامه به چند نمونه از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌گردد:

سانچز و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر اتخاذ استانداردهای حسابداری بر بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تغییر استانداردهای محلی (اصول پذیرفته‌شده عمومی حسابداری) به استانداردهای تصویب‌شده بین‌المللی (استانداردهای گزارشگری مالی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی)، مربوط بودن اطلاعات و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. این پژوهش نشان می‌دهد که با به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، قابلیت اعتماد اطلاعات حسابداری برای سرمایه‌گذاران ملی و خارجی افزایش یافته است.

فلدمن و لی (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر اجرای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بر رفتار مدیریت سود در کشورهایی که از امنیت بالای سرمایه‌گذاری و اجرای قوی قانون برخوردار بودند، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های واقع در کشورهای دارای امنیت بالای سرمایه‌گذاری، به‌طور کلی مدیریت سود واقعی و مدیریت سود بر مبنای تعهدی طی دوره بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نسبت به دوره بکارگیری اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری بیشتر انجام می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گزارش‌های سود در زمانی که شرکت‌ها با فشار مالی روبرو هستند بیشتر دستکاری می‌شوند.

الهلالی (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار آتن پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد به‌طور کلی رابطه‌ای بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده به وسیله هموارسازی سود و مدیریت سود هدف دار وجود ندارد، بنابراین هیچ تفاوتی در کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته و سایر شرکت‌ها وجود ندارد. همچنین شواهدی مبنی بر اینکه معاملات با اشخاص وابسته منعکس‌کننده تضاد منافع و مشکل نمایندگی می‌باشد، وجود ندارد.

مشیزی و وکیلی فرد (۲۰۱۶) به تعیین رابطه بین افشای معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که افشای معاملات با اشخاص وابسته رابطه مهمی با کاهش مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری ندارد.

صادقی و اسدی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد. در این پژوهش از معیار کیفیت ارقام تعهدی برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت ارقام تعهدی رابطه منفی دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه ۱: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه ۲: بین معاملات با اشخاص وابسته و هموارسازی سود رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه ۱-۲: بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار اول هموارسازی سود رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه ۲-۲: بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار دوم هموارسازی سود رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه ۲-۳: بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار سوم هموارسازی سود رابطه مثبت وجود دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی آن را بازه ۵ ساله ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهد. با در نظر گرفتن شرایط ذیل در مورد جامعه آماری، از روش حذف سیستماتیک برای انتخاب نمونه استفاده شده است؛ بنابراین در این پژوهش نمونه آماری متشکل از شرکت‌هایی است که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

(۱) جزء شرکت‌های تولیدی باشد به دلیل این که شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی دارای ماهیت متفاوت هستند.

(۲) در بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

(۳) سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

(۴) قبل از سال ۹۱ در بورس پذیرفته شده باشد.

(۵) اطلاعات موردنظر بری استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

بعد از در نظر گرفتن شرایط فوق، تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

تکراه (۱): نمونه پژوهش

تعداد شرکت‌ها	فرآیند گردآوری داده‌ها
۱۸۴	تعداد شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای صورت‌های مالی حسابرسی شده در بازه زمانی ۹۱/۱۲/۲۹ الی ۹۵/۱۲/۲۹ هستند.
۷	کسر می‌شود: تعداد شرکت‌هایی که در بازه زمانی ۹۱ تا ۹۵ در بورس پذیرفته شده‌اند.
۴۱	کسر می‌شود: تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در دسترس نباشد.
۱۳۶ شرکت	تعداد شرکت‌های نمونه شرکت کننده در تجزیه و تحلیل نهایی

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و همچنین از نظر داده‌ها و زمان گردآوری اطلاعات از نوع داده‌های تلفیقی و تاریخی است. روش پژوهش بر اساس خصوصیت موضوع از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و پایگاه‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (کدال) استخراج شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار اکسل طبقه‌بندی شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews8 استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته: کیفیت اطلاعات حسابداری

در این پژوهش رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری با بکارگیری یک معیار مدیریت سود و سه معیار هموارسازی سود طبق پژوهش الهلالی (۲۰۱۶) مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، از مدل‌ها و متغیرهای مورد نیاز استفاده شد که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

مدیریت سود (EM): از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری برای مدیریت سود استفاده می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده می‌شود. در این مدل ابتدا از رابطه زیر ضرایب برآورد می‌شوند:

$$\frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \frac{\Delta Sales_{it}}{Assets_{it-1}} + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

پس از برآورد ضرایب، با استفاده از رابطه زیر اقلام تعهدی غیر اختیاری محاسبه می‌گردد:

$$\frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \left(\frac{\Delta Sales_{it} - \Delta AR_{it}}{Assets_{it-1}} \right) + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

در نهایت برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری خواهیم داشت:

$$\frac{DA_{it}}{Assets_{it-1}} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - \frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}} \quad (۳)$$

TA: ارقام تعهدی؛ Assets: جمع دارایی‌ها؛ Sales: درآمد؛ AR: حساب‌های دریافتی؛
 PPE: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ NDA: ارقام تعهدی غیر اختیاری؛ DA:
 ارقام تعهدی اختیاری

در این پژوهش در راستای محاسبه ارقام تعهدی از فرمول زیر بهره گرفته شده است که به‌عنوان مدل سود و زیانی شناخته می‌شود (ایزدی نیا و طاهری، ۱۳۹۵).

$$\text{رابطه (۴)} \quad \text{جریان نقد عملیاتی} - \text{سود خالص} = \text{ارقام تعهدی}$$

اولین معیار هموارسازی سود (ΔNI): تغییرات سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها.
 تغییرپذیری بالای سود نشان‌دهنده هموارسازی کمتر سود است (لانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کریستینسن، ۲۰۱۵؛ الهلالی، ۲۰۱۶).

دومین معیار هموارسازی سود (ΔCF): تغییر در سود خالص به تغییر در جریان‌های نقدی (کریستینسن، ۲۰۱۵؛ الهلالی، ۲۰۱۶).

سومین معیار هموارسازی سود (ES): دی‌چو و همکاران (۲۰۱۰) از تغییرپذیری سودخالص نسبت به جریان‌های نقد عملیاتی به‌عنوان معیاری برای هموار بودن سود استفاده کردند. با توجه به تعریف، هر چه نسبت حاصل کوچک‌تر باشد، سود هموارتر می‌باشد. در این پژوهش از انحراف معیار ۵ ساله سود و جریان‌های نقد عملیاتی یک شرکت برای محاسبه هموار بودن سود استفاده شده است (ایزدی نیا و طاهری، ۱۳۹۵):

$$\text{رابطه (۵)} \quad \text{Earnings smoothness}_{it} = \sigma_{it}(\text{earnings}) / \sigma_{it}(\text{CFO})$$

σ : انحراف استاندارد؛ earnings: سود قبل از ارقام غیر مترقبه؛ CFO: جریان‌های نقد عملیاتی

متغیر مستقل: معاملات با اشخاص وابسته

معاملات با اشخاص وابسته به‌صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

RPT: اگر مجموع ارزش معاملات با اشخاص وابسته فراتر از ۱٪ کل دارایی‌های شرکت گردد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. رینگیست و توماس (۲۰۱۲) و الهلالی (۲۰۱۶).

متغیرهای کنترلی

معیارهای کیفیت حسابداری مورد استفاده به جهت تفاوت در انگیزه‌های گزارشگری شرکت به وسیله فاکتورهای که بر تصمیمات داوطلبانه حسابداری اثر می‌گذارند، مانند اندازه، رشد فروش و اهرم مالی کنترل می‌شوند که بر مدیریت سود اثر خواهند گذاشت، لذا اثر این متغیرها به شرح زیر در این مطالعه کنترل شده است (الهلالی، ۲۰۱۶).

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی دارایی‌هاست. انتظار می‌رود که بین اندازه شرکت و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد، به دلیل اینکه زیرساخت‌های اصلی شرکت مانند محیط اطلاعاتی و فشار بازار سرمایه و منابع مالی بر میزان مدیریت سود اثر می‌گذارند (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارچینی و همکاران، ۲۰۱۸).

رشد فروش: درصد تغییر در فروش می‌باشد. نرخ رشد بالا منجر به افزایش مدیریت سود می‌شود (الهلالی، ۲۰۱۶). به دلیل وجود رابطه بین اقلام تعهدی و محرک‌های اقلام تعهدی (فروش و خالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات)، رشد فروش به طور سالانه بر اقلام تعهدی اثر می‌گذارد و در نتیجه مدیریت سود افزایش می‌یابد (فرانسیس و وانگ، ۲۰۰۸؛ مارچینی و همکاران، ۲۰۱۸).

اهرم مالی: از طریق تقسیم ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود. نسبت اهرمی بالا رابطه مثبتی با مدیریت سود دارد (الهلالی، ۲۰۱۶). نسبت اهرمی بالا، امکان نقض قراردادها بدهی را افزایش می‌دهد در نتیجه انگیزه‌های مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی افزایش می‌یابد (فرانسیس و وانگ، ۲۰۰۸، دیچو و همکاران، ۲۰۱۰، مارچینی و همکاران، ۲۰۱۸).

جریان‌های نقد عملیاتی: از طریق تقسیم خالص جریان‌های نقدی عملیاتی بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود (الهلالی، ۲۰۱۶). جریان‌های نقدی عملیاتی رابطه معکوسی با اقلام تعهدی غیر عادی دارند (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارچینی و همکاران، ۲۰۱۸).

اندازه موسسه حسابرسی: اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت، سازمان حسابرسی باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود (الهلالی، ۲۰۱۶). موسسه‌های حسابرسی بزرگ از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند، لذا کیفیت حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود دارد (بیکر و همکاران، ۱۹۹۸).

مدل‌های پژوهش

برای آزمون تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر هر یک از معیارهای کیفیت حسابداری به ترتیب از مدل‌های رگرسیونی شماره ۱ الی ۴ بهره گرفته شده است:

مدل (۱): آزمون فرضیه اصلی اول

$$EM = \alpha + \beta_1 RTP + \beta_2 SIZE + \beta_3 SALES GROWTH + \beta_4 LEV + \beta_5 CF + \beta_6 BIG + \varepsilon_0$$

مدل (۲): آزمون فرضیه فرعی اول

$$\Delta NI = \alpha + \beta_1 RTP + \beta_2 SIZE + \beta_3 SALES GROWTH + \beta_4 LEV + \beta_5 CF + \beta_6 BIG + \varepsilon_0$$

مدل (۳): آزمون فرضیه فرعی دوم

$$\Delta CF = \alpha + \beta_1 RTP + \beta_2 SIZE + \beta_3 SALES GROWTH + \beta_4 LEV + \beta_5 CF + \beta_6 BIG + \varepsilon_0$$

مدل (۴): آزمون فرضیه فرعی سوم

$$ES = \alpha + \beta_1 RTP + \beta_2 SIZE + \beta_3 SALES GROWTH + \beta_4 LEV + \beta_5 CF + \beta_6 BIG + \varepsilon_0$$

در این مدل‌ها متغیرها به شرح زیر هستند: EM: مدیریت سود؛ ΔNI : هموارسازی سود (تغییرپذیری سود خالص به کل دارایی‌ها)؛ ΔCF : هموارسازی سود (تغییر در سود خالص به تغییر در جریان‌های نقدی عملیاتی)؛ ES: هموارسازی سود (انحراف استاندارد سود به انحراف استاندارد جریان‌های نقدی عملیاتی)؛ RTP: معاملات با اشخاص وابسته؛ Size: اندازه شرکت؛ Sales growth: رشد فروش؛ Leverage: اهرم مالی؛ CF: جریان‌های نقد عملیاتی؛ BIG: اندازه موسسه حسابرسی

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

نگاره (۱)، آمار توصیفی داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به این که از روش داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود، تعداد مشاهدات سال شرکت، ۶۸۰ مشاهده بوده است.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
مدیریت سود	EM	-۰/۷۲۷۳	۰/۹۸۰۲	-۰/۰۵۴۴۱۲	۰/۱۶۶۸۸
معیار اول هموارسازی سود	ΔNI	-۰/۵۷۵۵	۰/۶۸۳۷	۰/۰۱۰۴۶۲	۰/۱۱۰۰۱
معیار دوم هموارسازی سود	ΔCF	-۲۳۸/۱۶	۴۸۶/۹۶۹۲	۱/۴۹۳۷	۳۱/۸۸۶۸
معیار سوم هموارسازی سود	ES	۰/۰۳۲۷	۳/۹۵۸۹	۱/۰۵۲۸۹۱	۰/۶۹۱۰۱۷۳
اندازه شرکت	Size	۱۰/۴۹۲۵	۱۹/۱۵	۱۴/۱۲۱۳	۱/۴۰۸۲۵
رشد فروش	Sales growth	-۰/۹۳۱۰	۹/۶۴۶۵	۰/۲۱۶۱۹	۰/۶۳۲۲
جریان‌های نقدی	CF	-۰/۳۰۰۵	۲/۷۷۶۵	۰/۱۲۹۵	۰/۱۶۵۲۷
اهرم مالی	Leverage	۰/۰۶۵۸	۲/۰۷۷۵	۰/۵۹۷۴۹	۰/۲۲۶۴۲
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	تعداد مشاهدات سازمان حسابرسی: ۱۲۴ مشاهده			

در نگاره (۱)؛ اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای مدیریت سود در حدود $-۰/۰۵$ است که نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری حدود ۵ درصد دارایی‌های شرکت است و نشان می‌دهد ۵ درصد داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. بطور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر معیار اول هموارسازی سود برابر با $(۰/۱۱۰۰۱)$ و برای متغیر معیار دوم هموارسازی سود برابر با $(۳۱/۸۸)$ می‌باشد که نشان می‌دهد در بین متغیرها، معیار اول هموارسازی سود و معیار دوم هموارسازی سود به ترتیب دارای بیشترین و کمترین

میزان پراکندگی می‌باشند. مینیمم و ماکزیمم، به ترتیب کمترین و بیشترین عدد متغیر در جامعه آماری را نشان می‌دهد. برای مثال مقدار مینیمم و ماکزیمم متغیر اهرم مالی به ترتیب برابر با (۰/۰۶۵۸ و ۲/۰۷۷۵) می‌باشد، این مطلب حکایت از این دارد که متغیر اهرم مالی، کمترین مقدار (۰/۰۶۵۸) و بیشترین مقدار (۲/۰۷۷۵) را به خود اختصاص داده است. میزان مشاهدات شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی، ۱۲۴ مشاهده می‌باشد.

آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن فرضیه‌های پژوهش

قبل از آزمون فرضیه پژوهش اقدام به بررسی همگن یا ناهمگن بودن داده‌ها با استفاده از آزمون اف لیمر می‌کنیم. بعد از انتخاب روش داده‌های تابلویی با آزمون اف لیمر، از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می‌کنیم.

تکراه (۳): آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن

آزمون اف لیمر: فرضیه اصلی دوم - فرعی اول و دوم			
عدم پذیرش فرض صفر	۰/۰۰۰۰	۳/۷۸۸۶۴۶	عرض از مبدأ تمامی مقاطع با هم: فرض صفر یکسان است.
پذیرش فرض صفر	۱/۰۰۰۰	۰/۰۳۱۰۷۳	
پذیرش فرض صفر	۰/۰۶۲۵	۱/۲۲۳۰۴۴	
عدم پذیرش فرض صفر	۰/۰۰۰۰	۵/۸۲۵۵۰۱	
آزمون هاسمن: فرضیه اصلی اول و فرضیه اصلی دوم - فرعی سوم			
عدم پذیرش فرض صفر	۰/۰۰۰۰	۵۳/۶۸۵۴۹۸	تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست: فرض صفر
پذیرش فرض صفر	۰/۲۲۱۲	۸/۲۳۸۲۸۸	

برای فرضیه اصلی اول و فرضیه اصلی دوم - فرعی سوم با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده است، بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. ولی برای فرضیه اصلی دوم - فرعی اول و فرضیه اصلی دوم - فرعی دوم با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی همگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده است، بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است.

برای فرضیه اصلی اول با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون هاسمن، تفاوت در ضرایب نظام‌مند است؛ بنابراین استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. برای فرضیه اصلی دوم-فرعی سوم با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون هاسمن، تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست؛ بنابراین استفاده از روش اثرات تصادفی بر روش ثابت ارجح است.

آزمون فرضیه اصلی اول

یافته‌های حاصل از فرضیه اصلی اول پژوهش به شرح زیر است: سطح معنی‌داری برای تک‌تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده فرضیه‌های پژوهش می‌توان ادعا کرد که حدود ۱۰/۰۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. همان‌طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌گردد سطح معنی‌داری برای متغیر معاملات با اشخاص وابسته از سطح خطای ۵ درصد کم‌تر است و وجود ارتباط مستقیم و معنی‌داری بین متغیر مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته تأیید می‌شود. به عبارتی با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود افزایش می‌یابد.

از متغیرهای کنترلی، متغیر رشد فروش، جریان‌های نقدی و اهرم مالی ارتباطی معنی‌دار با مدیریت سود دارند. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع موردبررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون هاسمن، تفاوت در ضرایب نظام‌مند است؛ بنابراین استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است.

نگاره (۴): نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: مدیریت سود				
نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۰/۰۲۱۲۶۳	۰/۰۶۲۹۶۵	۰/۳۳۷۶۹۴	۰/۷۳۵۷
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۳۵۹۷۳	۰/۰۱۷۳۴۱	۲/۰۷۴۴۸۴	۰/۰۳۸۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۵۴۲۰	۰/۰۰۴۵۲۱	-۱/۱۹۸۸۲۵	۰/۲۳۱۰
رشد فروش	۰/۰۳۶۱۸۹	۰/۰۰۹۷۱۴	۳/۷۲۵۴۷۶	۰/۰۰۰۲
جریان‌های نقدی	-۰/۲۵۲۶۶۸	۰/۰۳۷۳۴۴	-۶/۷۶۶۰۰۶	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۱۱۲۱	۰/۰۰۰۴۴۱	-۲/۵۴۱۳۳۱	۰/۰۱۱۳
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۰۱۰۴۱۵	۰/۰۱۶۴۴۸	-۰/۶۳۳۱۸۱	۰/۵۲۶۸
ضریب تعیین: ۰/۱۰۰۹۹	آماره آزمون F: ۱۲/۶۰۰۲	آماره دورین واتسون: ۱/۵۱۳۳۹۷	آماره آزمون اف لیمر: ۳/۷۸۸۶۴۶	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰

آزمون فرضیه اصلی دوم - فرعی اول

یافته‌های حاصل از فرضیه فرعی اول پژوهش به شرح زیر است: سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده فرضیه‌های پژوهش می‌توان ادعا کرد که حدود ۱۷/۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. همان‌طور که در نگاره (۴) مشاهده می‌گردد سطح معنی داری برای متغیر معاملات با اشخاص وابسته از سطح خطای ۵ درصد بیش‌تر است و وجود ارتباط مستقیم و معنی داری بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار اول هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته تأیید نمی‌شود. از متغیرهای کنترلی، متغیر رشد فروش، جریان‌های نقدی ارتباطی معنی دار با معیار نخست هموارسازی سود دارند. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است.

نگاره (۵): نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (معیار نخست هموارسازی سود)

متغیر وابسته: تغییرات سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها				
نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۰/۰۴۳۴۴۱	۰/۰۴۰۳۶۹	۱/۷۶۰۱۱۳	۰/۲۸۲۳
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۰۷۴۴۹	۰/۰۱۴۵۵۰	۰/۵۱۱۹۴۵	۰/۶۰۸۹
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶۰۷۰	۰/۰۰۲۹۰۲	-۲/۹۰۵۲۸	۰/۰۳۶۹
رشد فروش	۰/۰۵۱۴۱۸	۰/۰۰۶۱۵۰	۸/۳۶۰۷۷۸	۰/۰۰۰۰
جریان‌های نقدی	۰/۱۶۹۶۲۱	۰/۰۲۳۷۲۴	۷/۴۰۷۵۰۲	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۰۲۳۵	۰/۰۰۰۲۷۹	-۰/۸۰۴۷۸۹	۰/۴۰۰۸
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۰۶۳۵۰	۰/۰۱۰۴۲۱	۰/۶۰۹۳۱۶	۰/۵۴۲۵
ضریب تعیین: ۰/۱۷۲۰	آماره آزمون F: ۱۹/۹۴۳ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰	آماره دوربین واتسون: ۲/۳۴۵۲	آماره آزمون اف لیمر: ۰/۰۳۱۰۷۳ سطح معنی داری: ۱/۰۰۰۰	

آزمون فرضیه اصلی دوم - فرعی دوم

یافته‌های حاصل از فرضیه فرعی دوم پژوهش به شرح زیر است: سطح معنی داری برای تک‌تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده فرضیه پژوهش می‌توان ادعا کرد که حدود ۳۹/۸۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. همان‌طور که در نگاره (۵) مشاهده می‌گردد سطح معنی داری برای متغیر معاملات با اشخاص وابسته از سطح خطای ۵ درصد کم‌تر است و وجود ارتباط مستقیم و معنی داری بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار دوم هموارسازی سود تأیید می‌شود. از متغیرهای کنترلی، متغیر رشد فروش، جریان‌های نقدی و اهرم مالی ارتباطی معنی دار با معیار دوم هموارسازی سود دارند. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است.

نگاره (۶): نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (معیار دوم هموارسازی سود)

متغیر وابسته: تغییرات سود خالص به تغییرات جریان‌های نقد عملیاتی				
نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	-۰/۰۱۲۵۲۶	۰/۰۴۰۵۳۶	-۰/۳۰۹۰۰۲	۰/۷۵۷۴
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۳۴۰۸۶	۰/۰۱۱۱۶۴	۳/۰۵۳۲۳۲	۰/۰۰۲۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۴۸۷۷	۰/۰۰۲۹۱۱	-۱/۶۷۵۵۱۹	۰/۰۹۴۳
رشد فروش	۰/۰۲۶۶۶۱	۰/۰۰۶۲۵۴	۴/۲۶۳۲۱۱	۰/۰۰۰۰
جریان‌های نقدی	۰/۴۸۶۸۸۳	۰/۰۲۴۰۴۲	۲۰/۲۵۱۷۱	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۰۰۹۷۸	۰/۰۰۰۲۸۴	۳/۴۴۳۹۰۷	۰/۰۰۰۶
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۰۰۷۱۵۶	۰/۰۱۰۵۸۹	-۰/۶۷۵۷۹۷	۰/۴۹۹۴
ضریب تعیین: ۰/۳۹۸۷۲۳	آماره آزمون F:	آماره دورین واتسون: ۲/۲۰۹۱۴۲	آماره آزمون اف لیمر: ۱/۲۲۳۰۴۴	سطح معنی داری: ۰/۰۶۲۵
	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰			

آزمون فرضیه اصلی دوم - فرعی سوم

یافته‌های حاصل از فرضیه فرعی سوم پژوهش به شرح زیر است: سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده فرضیه پژوهش می‌توان ادعا کرد که حدود ۶۱/۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. همان‌طور که در نگاره (۶) مشاهده می‌گردد سطح معنی داری برای متغیر معاملات با اشخاص وابسته از سطح خطای ۵ درصد بیشتر است و وجود ارتباط معنی داری بین معاملات با اشخاص وابسته و متغیر معیار سوم هموارسازی سود وابسته تأیید نمی‌شود. از متغیرهای کنترلی، متغیر رشد فروش، جریان‌های نقدی ارتباطی معنی دار با معیار سوم هموارسازی سود دارند. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. همچنین نتایج حاصل از آزمون هاسمن بیانگر استفاده از روش اثرات تصادفی است.

تکانه (۷): نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (معیار سوم هموارسازی سود)

متغیر وابسته: انحراف استاندارد سود خالص به انحراف استاندارد جریان‌های نقد عملیاتی				
نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۳/۳۹۸۹۷۳	۲/۰۳۰۹۴۹	۱/۶۷۳۵۸۹	۰/۰۹۴۸
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۱۲۷۶۳۶	۰/۱۷۷۰۶۷	۰/۷۲۰۸۳۷	۰/۴۷۱۳
اندازه شرکت	-۰/۱۶۵۲۸۵	۰/۱۴۲۴۰۴	-۱/۱۶۰۶۷۵	۰/۲۴۶۳
رشد فروش	۰/۳۸۴۸۶۷	۰/۰۶۹۴۶۱	۵/۵۴۰۷۷۴	۰/۰۰۰۰
جریان‌های نقدی	-۰/۸۱۶۱۵۹	۰/۳۴۲۸۵۸	-۲/۳۸۰۴۵۷	۰/۰۱۷۶
اهرم مالی	۰/۰۰۰۸۸۰	۰/۰۰۳۳۳۶	۰/۲۶۳۶۴۷	۰/۷۹۲۲
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۲۱۰۴۲۱	۰/۳۰۵۹۶۱	۰/۶۸۱۷۷۳۶	۰/۴۹۱۹
ضریب تعیین: ۰/۶۱۴۰۰۵	آماره آزمون F: ۶/۰۶۹۴۹۴	آماره دورین واتسون: ۲/۱۶۰۴۶۴	آماره آزمون اف لیمر: ۵/۸۲۵۵۰۱	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰۰

نتیجه‌گیری

نگرانی‌های قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران درباره انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت که منجر به مدیریت سود و کاهش محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی شده و به رسوایی‌های اخیر شرکت‌ها کمک نموده است، افزایش یافته است.

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری است. برای این منظور چهار فرضیه تدوین شده که نتایج آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته، سود را مدیریت می‌کنند که منجر به کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. این نتیجه با یافته‌های الهلالی (۲۰۱۶) و بنی مهد (۱۳۹۱) و وکیلی فرد و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت ندارد ولی با یافته‌های سرلک و اکبری (۱۳۹۲) و رضایی و حسینی (۱۳۹۶) مطابقت دارد. به طوری که سرلک و اکبری (۱۳۹۲) بیان کردند که احتمالاً معاملات با اشخاص وابسته، بر پایه فرضیه تضاد منافع انجام شده و ممکن است موجب از دست رفتن ثروت سهام‌داران شود؛ بنابراین ممکن است

دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته، از تملک شرکت خارج شده و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند؛ بنابراین سهام‌دارانی که در شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته سرمایه‌گذاری می‌کنند، ممکن است متضرر شوند و بهتر است به دنبال راه‌های دیگری برای مقابله با رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران باشند تا از منافع مالی خود محافظت کنند.

نگرانی اصلی در حسابداری، بخصوص در محیط‌هایی که قوانین نسبتاً ضعیف است، تمایل مدیران به هموارسازی سود می‌باشد (لوئیز و همکاران، ۲۰۰۳؛ لانگ و همکاران، ۲۰۰۸). این موضوع گویای این حقیقت است که اگر امنیت سرمایه‌گذاران از اولویت بالایی برخوردار نباشد، نظارت بر گزارشگری مالی و اجرای آن کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، مدیران در محیط‌های دارای امنیت ضعیف سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود دارند (لانگ و همکاران، ۲۰۰۶).

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول نشان داد بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار اول هموارسازی سود (تغییر سود خالص به کل دارایی‌ها) ارتباطی وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های الهلالی (۲۰۱۶) مطابقت دارد. تغییرپذیری بالای سود نشان‌دهنده هموارسازی کمتر سود است (کریستینسن و همکاران، ۲۰۱۵). مدیران هموارسازی سود را با بکارگیری اقلام تعهدی جهت کاهش تغییرپذیری سود انجام خواهند داد، تغییرپذیری بالا نشان‌دهنده این است که مدیران اقدام به پاک‌سازی عمده نموده یا همراه با خطاهایی در اقلام تعهدی می‌باشند که هر دو با کیفیت پایین حسابداری همراه خواهد بود (کریستینسن و همکاران، ۲۰۱۵).

نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار دوم هموارسازی سود (تغییر در سود خالص به تغییر در جریان‌های نقدی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های الهلالی (۲۰۱۶) مطابقت ندارد. الهلالی (۲۰۱۴) و گوپلان و جایارامن (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که مدیران از طریق هموارسازی، تغییر در سود خالص به تغییر در جریان‌های نقدی را کاهش می‌دهند. هموارسازی سود از محتوای اطلاعاتی بیشتری برخوردار است اگر مرتبط با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه نباشد. از سوی دیگر، ممکن است روش‌های حسابداری شرکت ترغیب‌کننده رفتار فرصت‌طلبانه باشند که این موضوع محتوای اطلاعاتی سود را کاهش می‌دهد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰).

نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم نشان می‌دهد بین معاملات با اشخاص وابسته و معیار سوم هموارسازی سود ارتباطی وجود ندارد. این یافته با یافته‌های الهلالی (۲۰۱۶) مطابقت دارد. بنابراین به نهادهای قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود اقدام‌هایی را در راستای تجدیدنظر نسبت به قوانین و استانداردهای داخلی در رابطه با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته که منجر به مدیریت سود فرصت‌طلبانه خواهند شد، انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود تا استانداردهاگذاران با در نظر گرفتن ویژگی‌های عملیاتی و سازمانی شرکت‌ها بر بهبود کیفیت استانداردهای حسابداری تمرکز نمایند که در نهایت منجر به بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری خواهد شد. بر اساس این پژوهش پیشنهاد می‌شود تأثیر قوانین و استانداردهای داخلی کشور بر میزان وقوع مدیریت سود و هموارسازی سود در رابطه با معاملات با اشخاص وابسته بررسی شود. با توجه به این که شرکت‌ها از مدیریت سود به منظور جذب سرمایه و دسترسی به فواید بازار سرمایه استفاده می‌کنند، پیشنهاد می‌شود که تأثیر معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام بررسی شود.

منابع

- مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ سید حسینی، سید مصطفی؛ جهرمی، مهتاب. (۱۳۹۵). تئوری حسابداری، انتشارات نگاه دانش.
- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ جعفری پور، خدیجه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی با در نظر گرفتن چرخه عمر شرکت‌ها. فصلنامه دانش حسابداری مالی: (۳)، ۹۳ - ۱۱۰.
- ایزدی نیا، ناصر؛ طاهری، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری: (۵)، ۸۱-۱۰۱.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۱). کیفیت اطلاعات حسابداری، نوع حسابرس و مدیریت سود. فصلنامه بورس اوراق بهادار: (۱۷)، ۱۲۵-۱۳۹.
- بولو، قاسم؛ حساس یگانه، یحیی؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ چهارمحالی، شهرام. (۱۳۹۶). الگوی رویکرد حسابداران و حسابرسان به استانداردهای حسابداری و تأثیر آن بر کیفیت اطلاعات حسابداری. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم: (۳۳)، ۱۴۸-۱۲۵.
- تقفی، علی، ابراهیمی، ابراهیم. (۱۳۸۸). رابطه تدوین استانداردهای حسابداری با کیفیت اطلاعات حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: (۵۷)، ۳۳-۵۰.

- سرلک، نرگس؛ اکبری، مینا. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۲۰ (۴)، ۷۷-۹۲.
- صادقی، مرتضی؛ اسدی، لیدا. (۱۳۹۵). ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی، دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری. سیولیکا.
- عباس زاده، محمدرضا؛ قناد، مصطفی؛ به سودی، افشین. (۱۳۹۶). رقابت در بازار محصول، معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: (۲۴)، ۸۰ - ۶۱.
- کامیابی، یحیی؛ اسکو، وحید؛ بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۶). تأثیر اخبار خوب و بد بر رابطه بین افزایش اطلاعات مربوط به معاملات با اشخاص وابسته و واکنش بازار، دانش حسابداری مالی: (۴)، ۹۵-۱۱۴.
- واعظ، سید علی؛ انواری، ابراهیم؛ بنافی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه حسابداری مالی: (۳۱)۸، ۱۳۲ - ۱۰۱.
- Abbaszadeh, Mohamadreza, Ghannad, Mostafa, Behsoodi, Afshin. (2017). Product Market Competition, Related Party Transactions and Fee of Audit Services. *Journal of the Accounting And Auditing Review*, 20, 77-92. (In Persian)
- Andrew. B. Jackson. (2011). Does Accounting Quality Enhance the Timeliness of Price Discovery? American Accounting Association, Annual meeting. Research Interaction Forum I, Denver, colorado.
- Banimahd, Bahman. (2012). Accounting Information Quality, Auditor Type and Earning Management. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 17, (In Persian)
- Barth, M. E. Landsman, W. R. Lang, M. H. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46, 467-498.
- Becker, C. L. , Defond, M. L. , Jiambalvo, J. and Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15, 1-24.
- Boooloo, Ghasem, Hassas, Yahia, Rahnama Roodposhty, Fereydoon, Chaharmahali, Shahram. (2017). Pattern Approach of Accountants and Auditors to Accounting Standards and Effect on Quality Information Accounting. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 33, 125-154. (In Persian)
- Christensen, H. B. , Lee, E. Walker, M and Zeng, C. (2015). Incentives or Standards: What Determines Accounting Quality Changes around IFRS Adoption?. *European Accounting Review*, 24, 31-61.

- Dayanandan, A. Donker, M. Gökhan, K. (2016). IFRS and Accounting Quality: Legal Origin, Regional, and Disclosure Impacts. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24, 340-360.
- Dechow, P. M. , Ge, W. , & Schrand, K. (2010). Understanding earnings quality: A review of the prox-ies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 344-401.
- Ebrahimi, Seyyed Kazem, Bahraminasab, Ali. (2016). The effect of accounting quality on information asymmetry, considering the companies life cycle. *A Quarterly Journal of Empirical of Financial Accounting*, 3, 93-110. (In Persian)
- Feldmann, B. Le, T. (2017). The Effect of International Accounting Standards on Management Behavior: A Study on Earnings Management Behavior in Countries with High Investor Protection. *Leadership, Innovation and Entrepreneurship as Driving Forces of the Global Economy*, 412-422.
- Elhelaly, Moataz. N. (2016). Related Party Transactions and accounting quality in Greece. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24, 213-219.
- Elhelaly, Moataz. N. (2014). Related Party Transactions, corporate governance and accounting quality in Greece. Thesis of doctor. Aston university.
- Francis, J. R, Wang, D. (2008). The joint effect of investor protection and big 4 audits on earnings quality around the world. *Contemporary Accounting Research*, 25, 157-191.
- Gopalan, R, Jayaraman, S. (2012). Private control benefits and earnings management: evidence from insider controlled firms. *Journal of Accounting Research*, 50, 117-157.
- Hwang, N, Chiou, J, Wang, Y. (2013). Effect of disclosure regulation on earnings management through related-party transactions: Evidence from Taiwanese firms operating in China. *Journal Account, Public Policy*, 32, 292-313.
- Izadi Nia, Naser, Taheri, Mansour. (2016). The relation between Accounting Quality and Trade Credit. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 5, 81-102. (In Persian)
- Kamyabi, Yahia. (2017). The impact of the Good and bad news on the relationship between disclosure about related party transaction and capital market reaction. *A Quarterly Journal of Empirical of Financial Accounting*, 4, 95-114. (In Persian)
- Laudon, K. C. and J. P Laudon. (2012). *Management information system: managing the digital firm*. 12th Edn, Prentice_Hall, Prentice_Hall, Upper Saddle River, New Jersay, USA. , ISBN: 9780273754534. 630.

- Lang, M, ready, J, Wilson, W. (2006). Earnings management and cross listing: Are reconciled earnings comparable to US earnings?. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 255-283.
- Leuz, C, Nanda, D, Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: an international comparison. *Journal of Financial Economics*, 50, 117-157.
- Marchini, P. L, Mazza,T, Medioli. (2018). The impact of related party transeactions on earnings management: some insights from the Italian context. *Journal of management and Gonernance*, 22, 1-34.
- Mehrani, Sasan, Karami, Gholamreza, Seyed hosseini,Seyyed Mostafa, Jahroomi, Mahtab. (2013). *Accounting Theory*. Look Knowledge Publishing. (In Persian)
- Moshizi, Mohamad, Vakilifard, Hamidreza. (2016). Determining the relationship of transactions provisions on income management of listed compaies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Current Research in Science*, 1, 297-304.
- Penman, Sephen. (2003). *Financial statement Analysis and Security Valuation*, MC Graw Hill, 5th Edition.
- Pizzo, M. (2013). Related party transactions under a contingency perspective. *Journal of Management and Governance*, 310-330
- Rathke, A, Santana,V, Lourenco, I, Dalmacio. (2016). International Financial Reporting Standards and Earnings Management in Latin America. *Revista de Administração Contemporânea*, 20, 35-45.
- Riccardi, I. (2016). *Accounting Standards for Business Enterprises No. 36_Related Party Disclosures*. In: *China Accounting Standards*,Springer,Singapore.
- Ryngaert, M, Thomas, S. (2012). Not all related party transactions (RPTs) arethe same: Ex ante versus ex post RPTs. *Journal of Accounting Research*, 50, 845-882.
- Sadeghi, Morteza, Asadi, Lida. (2016). The relationship between Related Party Transeactions and Control Ownership on Quality Financial Repoting. https://www.civilica.com/PdfExport-NASMEA02_075. (In Persian)
- Sanchez, h, Alejandro, K, Mendez Saenz, A, Garcia, M. (2017). Effect of information quality due accounting regulatorychanges: Applied case to Mexican real sector. *Contaduría y Administración*, 62, 761-774.
- Sarlak, Narges, Akbari, Mina. (2014). Relationship between Related Party Transactions and Earning Management. *Journal of the Accounting And Auditing Review*, 20, 77-92. (In Persian)
- Schipper, K, Vincent, L. (2003). Earnings Quality. *Accounting Horizons*, 17, 97- 110.
- Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3, 91-102.

- Zeghal, D, Mhedhbi, K. (2012). Analyzing the effect of using international accounting standards on the development of emerging capital markets. *International Journal of Accounting & Information Management*, 20, 220-237.
- Vaez, Seyyed Ali, Anvari, Ebrahim, Banafi, Mohamad. (2016). The effect of ownership Structure on the relationship between related party transactions and investment efficiency. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 31, 101-132. (In Persian)